

یادداشت سردیبر

یک منطقه ژئوپلیتیکی چگونه تحول می یابد؟

دکتر محمدرضا حافظنیا

منطقه به عنوان زیر مجموعه فضای جغرافیایی سطح کره زمین بخشی از آن است که به لحاظ ساختاری و یا کارکردی از تجانس و یگانگی برخوردار می باشد و بر پایه ی خصیصه های ساختاری و یا کارکردی از مناطق همجوار خود متمایز می گردد. منطقه می تواند خشکی پایه، آب پایه و یا تلفیقی باشد و از مقیاسهای کوچک نظیر دریاچه یا شبه جزیره تا مقیاسهای بزرگ نظیر اقیانوس و یا قاره را در برگیرد (حافظنیا، ۱۳۸۳: ۷۱-۶۵).

مناطق جغرافیائی بر پایه یک یا چند خصیصه ساختاری نظیر کالبد فضا، نوع اقلیم، نوع زبان، نوع دین و مذهب، نوع و سطح فرهنگ و تمدن و یا خصیصه های کارکردی نظیر: تولید محصول و یا عملکردهای اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، فرهنگی، سیاسی و غیره تعیین هويت می شوند. منطقه یک اصطلاح جغرافیایی است که در صورت باردارشدن عناصر و خصیصه های آن از حیث سیاسی، تغییر ماهیت داده و به منطقه ژئوپلیتیکی تبدیل می شود (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۱۱). مناطق ژئوپلیتیکی استاتیک نبوده و سرشتی دینامیک و پویا دارند و دینامیسم آنها بر پایه «نظریه تحول و تکامل منطقه ژئوپلیتیکی» که از سوی نگارنده ارائه شده است از مدل نظری خاصی تبعیت می کند.

مطابق این مدل، تحول و تکامل هر منطقه ژئوپلیتیکی در چارچوب مراحل پنج گانه زیر انجام می پذیرد:

مرحله اول: وجود یک منطقه جغرافیایی محض است که بر پایه یک چند خصیصه یا عنصر ساختاری و کارکردی دارای تجانس و یگانگی می باشد. چنین منطقه ای به مثابه کالبد فضائی و چارچوب جغرافیایی فرآیندهای سیاسی عمل می نماید.

مرحله دوم: پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی است. پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی مستلزم باردار شدن

منطقه از حیث سیاسی است. بدین معنی که عناصر و خصیصه‌های ساختاری و کارکردی منطقه جغرافیائی از نظر بازیگران سیاسی بویژه حکومتها ارزش و اعتبار پیدا می‌کند و نظر آنان را به‌خود جلب می‌نماید. به سخن دیگر عناصر مزبور در اهداف و منافع و استراتژی بازیگران جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌نمایند.

مرحله سوم: شکل‌گیری و توسعه سازه ژئوپلیتیکی است. در این مرحله بازیگران سیاسی بر پایه تصور خود از ارزش عناصر منطقه و نقشی که در تأمین منافع آنها دارند دست به اقدام و تکاپو می‌زنند تا کارکرد عناصر مزبور را به کنترل درآورده و در راستای اهداف و منافع خود، آنها را شکل داده و مورد بهره‌برداری قرار دهند و دست رقبای آنها دور نگهدارند. آنها سعی می‌کنند نقش عناصر مزبور را در راستای منافع خود مدیریت نموده و یا رقبای آنها را از دسترسی و مدیریت آنها دور کنند و یا آنها را بر علیه رقبای خود به‌کار ببرند.

در این مرحله و در پرتو فعال شدن بازیگران سیاسی اعم از درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای، الگوهای مختلف رفتاری اعم از همگرایی، واگرایی، رقابت، کشمکش، ستیز، همکاری بین بازیگران سیاسی برای کنترل و مدیریت ارزش‌ها و عناصر منطقه به‌وجود می‌آید که از آن به سازه ژئوپلیتیکی تعبیر می‌شود. بنابراین سازه ژئوپلیتیکی از جنس رابطه است که شامل شبکه‌ای از روابط بین بازیگران بوده و در طیفی از همگرایی و واگرایی در نوسان است و نیروهای همگرا و واگرا در منطقه ژئوپلیتیکی دائماً با یکدیگر به رقابت‌وستیز مشغولند. مناطق ژئوپلیتیکی جهان ممکن است برای مدت طولانی در این مرحله به سر ببرند (نظیر منطقه خلیج فارس)، و تداوم یا پایان این مرحله تا حد زیادی به نقش دیپلماسی بستگی دارد.

مرحله چهارم: در این مرحله، منطقه بر سر دو راهی قرار دارد: ۱- غلبه نیروهای همگرا بر واگرا و توسعه همگرایی در منطقه بین بازیگران ۲- غلبه نیروهای واگرا بر همگرا و توسعه واگرایی در منطقه. البته حالت سومی نیز ممکن است تصور شود و آن موازنه بین نیروهای همگرا و واگراست، که این وضعیت در واقع همان تداوم مرحله سوم یا سازه ژئوپلیتیکی است، که به تقسیم نیروها و شکاف منطقه‌ای و کاهش کارکردها و اثربخشی پتانسیل‌های ذاتی منطقه‌ای کمک می‌نماید.

در مرحله چهارم، نقش‌آفرینی دیپلماسی بسیار اهمیت دارد. چنانچه در پرتو دیپلماسی مثبت،

نیروهای همگرا در منطقه غالب شوند و منطقه به سوی همگرایی حرکت کند نوعی ادراک منفعت جمعی بین بازیگران پدید می‌آید و بازیگران به این نتیجه و خرد جمعی می‌رسند که دستیابی به اهداف و منافع آنها در پرتو همکاری، تعاون و ثبات و آرامش منطقه‌ای امکان‌پذیر است. بنابراین منطقه به سوی ثبات، آرامش، همگرایی و توسعه و فعال شدن کارکردها و پتانسیلهای ذاتی آن حرکت می‌کند و منطقه به کمال و عقلانیت ژئوپلیتیکی نائل می‌آید و زمینه را برای رسمی کردن همکاری منطقه‌ای فراهم می‌کند.

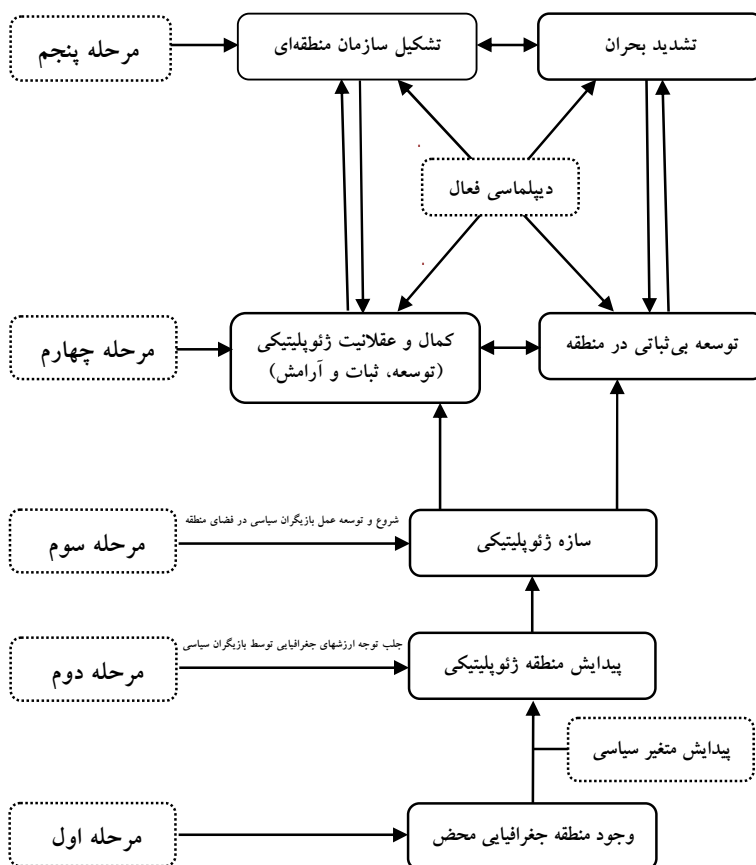
برعکس چنانچه در پرتو دیپلماسی منفی، نیروهای واگرا بر نیروهای همگرا در منطقه غلبه کنند، واگرایی توسعه می‌یابد و به بی‌ثباتی و هرج و مرج منطقه‌ای منجر می‌شود و منطقه را به سوی ستیز و جنگ بین بازیگران هدایت می‌کند.

مرحله پنجم: این مرحله، محصول وضعیت دوگانه مرحله چهارم می‌باشد. یعنی چنانچه نیروهای واگرا چیره شوند و منطقه به کمال و عقلانیت ژئوپلیتیکی برسد و زمینه برای رسمیت پیدا کردن همکاری و تعاون منطقه‌ای فراهم شود، سازمان منطقه‌ای تشکیل می‌گردد. سازمان منطقه‌ای که در پرتو دیپلماسی فعال و مثبت همگراساز پدید می‌آید، در واقع چارچوب نهادی و حقوقی رسمی است که الگوهای همکاری بین بازیگران را در یک یا چند بُعد و بر پایه یک یا چند عنصر ساختاری و یا کارکردی تعریف می‌نماید. تعداد زیادی از مناطق ژئوپلیتیکی جهان به این مرحله رسیده و سازمان منطقه‌ای در آنها تشکیل شده است. نظیر: اروپا، آمریکای شمالی، جنوب شرق آسیا، اقیانوس کبیر و غیره. پایداری، استحکام و توسعه کارکردها و فعالیت‌های سازمان منطقه‌ای و سپس یکپارچگی کارکردی آنها (نظیر اتحادیه اروپا)، مستلزم پایداری و تداوم نقش دیپلماسی مثبت و پایداری ادراک منفعت جمعی در بین بازیگران سیاسی است.

در نقطه مقابل چنانچه نیروهای واگرا بر همگرا در منطقه چیره شوند، منطقه به سوی تشدید بحران و یا برگشت به مرحله سوم حرکت خواهد نمود. نظیر منطقه خلیج فارس، جنوب آسیا، قفقاز، شرق مدیترانه و جنوب غرب آسیا.

نظریه تحول و تکامل منطقه ژئوپلیتیکی در مدل نظری زیر به نمایش در آمده است.

مدل نظری شکل‌گیری و تکامل منطقه ژئوپلیتیک؛ از حافظ‌نیا، ۱۳۸۳



منابع

- ۱- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳)؛ افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
- ۲- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.